

تحلیلی بر رابطه ریشه‌شناسی تاریخی مصلحت و چندمعنایی «رزق» در صحیفه سجادیه

_____ دکتر محمد شعبانپور^۱ - فرشته کوئینی^۲ - دکتر زهرا بشارتی^۳ _____

چکیده

«رزق» در نگرش عرفی و کاربردهای روزمره خود به مفهوم امور مادی است که عاید انسان می‌شود. در این رویکرد، بیش و کم روزی نیز با مصلحت خداوند گره می‌خورد، بدین سان که او هر که را بخواهد، مطابق مصلحت خویش روزی بیشتری می‌بخشد. این امر، شبهاتی را درباره چگونگی تقسیم روزی برای هر فرد در اذهان القا می‌کند. از این رو، تشریح مفهوم مصلحت نزد عموم از دیرباز و شناخت ریشه آن در زبان‌های باستان و زبان عرب، برای تبیین دقیق تر رابطه معنای عرفی آن با تقسیم روزی به بندگان راهگشا خواهد بود. از دیگر سو، بررسی موارد کاربرد «رزق» در متون دینی اسلام نیز برای ایضاح رابطه یادشده، نافع می‌نماید. از جمله این متون می‌توان به **صحیفه سجادیه** اشاره کرد که در قالب دعا، طیف گسترده‌ای از معانی، شامل امور مادی و

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول).

Dr.m.shabanpoor@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبایی.

f.kuini@gmail.com

۳. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث و مدرس دانشگاه علامه طباطبایی.

Mrs.besharati@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۱ - پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۴، (ص ۲۵-۴۸).

معنوی گوناگونی را برای «رزق» در بافت‌های مختلف و با هم‌آیندهای متفاوت، به کار برده است. از این رو، در پژوهش حاضر، ابتدا مفهوم عرفی مصلحت با تکیه بر روش ریشه‌شناسی تاریخی این کلمه بازخوانی شده، سپس به رابطه میان معانی گوناگون رزق در صحیفه سجادیه و مصلحت خداوند در تقسیم آن با روش توصیفی - تحلیلی پرداخته‌ایم. یافته‌های این پژوهش، بر این امر اذعان دارد که مصلحت الهی در تقسیم روزی، یعنی خداوند انواع و مصادیق مختلف و متعدد رزق را برای ارتقای بندگان به موقعیت بالاتر به ایشان اعطا می‌نماید و با لحاظ شرایط، یک مصداق از آن که لزوماً مادی نیست، جایگزین مصداق دیگر می‌شود تا نیل به تعالی برای فرد مورد نظر محقق گردد.

کلیدواژه‌ها: تقدیر رزق، مصلحت الهی، رزق معنوی، رابطه رزق و مصلحت، صحیفه سجادیه.

۱. مقدمه

چندمعنایی^۱ شرایطی است که در آن، یک واژه چندین معنای مرتبط به هم دارد. این تعریف چندان پیچیده به نظر نمی‌رسد، لکن پدیده‌ای با مرزهای مشخص و بدون ابهام نیست. چندمعنایی یا اشتراک به دو معناست؛ یکی اینکه واژه‌ای دارای چند معنا بوده و در هر کاربرد، در یکی از معانی‌اش به کار رفته باشد و دیگری اینکه واژه در متن طوری به کار رفته که آن متن را برخوردار از چند معنا کرده است (طیب حسینی، ۱۳۸۹: ۲۴). چندمعنایی در قالب اشتراک لفظی در علم اصول فقه (مباحث الفاظ) نیز تبیین شده و موافقان و مخالفان به بحث و بررسی درباره آن پرداخته‌اند (همان، ۲۷). از میان انواع روابط مفهومی، چندمعنایی از جایگاه مهم و متمایزی در حوزه معنا برخوردار است؛ زیرا زایایی معنا تا حد قابل توجهی نتیجه عملکرد چندمعنایی است. چندمعنایی واحدهای واژگانی، پدیده‌ای جهانی است که در همه زبان‌ها روی می‌دهد. این پدیده در همه زبان‌ها از خانواده‌های زبانی متفاوت و در

1. polysemy.

تمام دوره‌های تاریخی آن‌ها اتفاق می‌افتد. اینکه یک واژه می‌تواند معانی متفاوتی داشته باشد، کشف تازه‌ای نیست، بلکه از دیرباز و شاید از زمان نگارش نخستین واژه‌نامه‌ها، واژگان‌نگارها به طور عملی با آن سروکار داشته‌اند. براین پایه، می‌توان در متون دینی اسلام نیز پدیده چندمعنایی را مورد مطالعه قرار داد. از آن جمله باید به ادعیه صحیفه سجادیه اشاره کرد که برخی مفاهیم را با مصادیق و معانی متعددی به کار برده است؛ به عنوان نمونه، تأمل در موارد کاربرد «رزق» در صحیفه، احتمال چندمعنایی را برای این کلمه به ذهن متبادر می‌سازد و ضرورت پژوهشی روشمند و دقیق را در میان دیگر تحقیقات انجام شده در صحیفه سجادیه می‌نمایاند که تا کنون پیشینه‌ای نداشته است. این در حالی است که در نگرش عموم، مراد از رزق، تنها روزی مادی است که خداوند به مصلحت خویش به بندگان عطا می‌نماید.

درباره «رزق» و کاربرد آن در آیات قرآن پژوهش‌هایی صورت گرفته است. در این میان، مقاله علمی پژوهشی «بررسی معناشناسی کاربرد مفهوم رزق در قرآن کریم»، نوشته اصغره‌ادوی، محمدعلی خوانین‌زاده و روشن دهقانی که در مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ چاپ شده، به تبیین جایگاه «رزق» در پیوند با دیگر مفاهیم قرآنی در محور هم‌نشینی و مفاهیم جانشین آن در قرآن پرداخته است. همچنین در مقاله «جمع میان مقدر بودن رزق با تأثیر تلاش و تدبیر در جلب رزق»، نوشته سیدمحمدباقر حجتی و علی رضایی که در پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، زمستان ۱۳۸۶ چاپ شده، تقدیر ویژه ارزاق از جانب خدای سبحان و تأثیر حکمت‌هایی چون تنبیه توحیدی، آزمون تسلیم، آزمون شکر، امداد ایمانی و املاء و استدراج بررسی شده است. درباره «مصلحت» نیز در حوزه‌های مختلف سیاسی و فقهی کارهای فراوانی صورت گرفته است. در میان این آثار می‌توان به مقاله «بررسی رابطه مصلحت با چند اصطلاح»، نوشته رحیم وکیل‌زاده که در دوره اول مجله علامه، زمستان ۱۳۸۱ چاپ شده، اشاره کرد که به روابط میان مصلحت و مفسده و حوزه‌ها و ساخت‌های دیگر

مانند اهداف و مقاصد دین پرداخته است.

وجه تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های گذشته، بررسی معناشناسی واژه رزق در صحیفه سجادیه است که تا این لحظه مقاله دیگری که به این امر پرداخته باشد، یافت نشد. فرضیه نگارندگان این مقاله وجود ریشه‌ای فرهنگی-تاریخی برای مصلحت از دوران باستان است که به اذهان راه یافته و تا دوره نزول قرآن و پس از آن در زمان امامان معصوم علیهم‌السلام نیز جریان داشته است. از این رو، تحلیل کلام معصوم نیز باید با عنایت به این ریشه‌های فرهنگی-تاریخی مورد توجه قرار گیرد. ضمن اینکه معانی اصطلاحی مصلحت نزد متکلمان و فقیهان نیز که در دوره‌های بعدی مطمح نظر قرار گرفته، برای پاسخگویی به نیازهای فقهی و مسائل فکری جامعه در مجال خویش کارکرد یافته و باید در پژوهش‌های جداگانه‌ای به آن پرداخت. رویکرد اصلی در این پژوهش، چپستی رابطه میان معانی گوناگون «رزق» در صحیفه سجادیه و مصلحت، با تکیه بر روش ریشه‌شناسی تاریخی است. رهیافت یادشده، کوششی است در پاسخگویی به این سؤال اصلی که «چندمعنایی رزق در صحیفه سجادیه با عنایت به ریشه‌شناسی تاریخی مصلحت چگونه تبیین می‌گردد؟».

۲. ریشه‌شناسی «مصلحت»

ریشه «صلح» در زبان عبری با تلفظ «šālah»^۱ به معانی پیشرفت،^۱ در موقعیت و حالت خوبی بودن^۲ و رستگاری^۳ بوده است (gesenius, 1939: p. 852). این ریشه در آرامی با تلفظ «selah»^۴ موفق شدن^۴، رستگاری و تقسیم کردن^۵ (jastrow, 1903: p. 1283)

1 Advance+progress.

2 Be in good condition.

3 Prosper.

4 To succeed.

5 To split.

است. «صلح» در سریانی با تلفظ «šālāh» به معنای قرارداد^۱ و تعهد گزارش شده است (costaz, 2002: p.302). در آشوری نرمی و رطوبت^۲، اصلی ترین معانی ذکر شده برای این ریشه با تلفظ «salāhu» است (Gelb, 1957: p. 85)؛ «صلح» در زبان حبشی با تلفظ «salha» به معنای پیشرفت خارق العاده کاربرد داشته است (leslau, 1991: p. 555).

ریشه «صلح» در زبان عرب نیز معانی گوناگونی دارد. فراهیدی «أصلحت» را به «أحسن الی» تعبیر کرده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۱۷/۳). برای پایه، مفهوم «نیکوتر و شایسته تر شدن» را می توان برای این ریشه مورد توجه قرار داد. برخی از لغویان نیز به معنای مذکور ذیل «صلح» اشاره کرده اند (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۲/۴۵۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲/۵۱۶؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۴/۱۲۵). معنای دیگری که بیشتر لغویان ذیل «صلح» مطمح نظر قرار داده اند، ضدیت این کلمه با مفهوم فساد است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲/۵۱۶؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۲/۳۴۵؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۲/۳۸۶؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۴/۱۲۵). منابع تحلیل لغت نیز اصل «صلح» را «ضد فساد بودن» دانسته اند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳/۳۰۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۸۹). ابوهلال عسکری ضمن تبیین تفاوت های ریشه «صلح» با دیگر کلمات همسوبه تحلیل معنای آن پرداخته است. او «صلاح» را چیزی می داند که خیر از آن متمکن می شود و شر از آن خالص می گردد (ابوهلال، ۱۴۰۰: ۲۰۵). به دیگر بیان، صلاح برای خیر نقش مقدّمی دارد. ابوهلال معتقد است «صلاح»، استقامت بر حکمت دارد، همچون مرض که برای انسان ضرر دارد، لکن می تواند به صلاح انسان باشد (همان جا). علمای لغت «مصلحت» را به معنای درستی، سلامت قلبی، تناسب، کارآمدی، سازگاری، سودمندی، به سامان آوردن، سامان یافتن، نکوشدن، آشتی کردن، صواب و شایستگی

1. Treaty.

2. Wet, moisten.

نیز به کار برده‌اند (جوهری، ۱۴۰۷: ۲۸۳-۲۸۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲/۳۸۴). واژه «مصلحت» از دیدگاه لغویان عرب و از نظر ریشه‌شناسی، اسم مصدر از ریشه «ص-ل-ح» است. دیدگاهی نیز وجود دارد که فعل «صَلَحَ» را نشان دهنده چیزی یا شخصی خوب، غیر فاسد، شایسته، به حق، شریف و صحیح می‌داند و بر این نکته تأکید می‌کند که هرگاه این کلمه با حرف اضافه «لِ» (لِمَصْلِحَةٍ) به کار رود، به معنای تناسب خواهد بود. در استعمال عرب گفته می‌شود: «نظرفي مصالح الناس»؛ یعنی: «او به چیزهایی توجه می‌کند که برای مردم خوب است» (Lane, 2015: P. 1719-1915؛ دهقان، ۱۳۹۰: ۳۵). متأخران در تحلیل معنای مصلحت همان رویکرد متقدمان را داشته‌اند؛ به عنوان نمونه دهخدا مفسده را در مقابل مصلحت آورده و معانی صواب، شایستگی، صلاح، صلاح کار، نیکی، خیرخواهی و نیک‌اندیشی و نظیر آن را برای مصلحت بیان می‌کند و مصلحت‌اندیشی یا صلاح‌اندیشی را رعایت اقتضای حال می‌داند (دهخدا، ۱۳۴۵: ۱۲/۱۸۵۶۶) و «مفسده» را در لغت، خلاف مصلحت و به معنای بدی و تباهی، زیان، فساد و هر چیز زیان‌آور بیان نموده است (دهخدا، ۱۳۴۵: ۱۳/۱۸۷۸۱).

بر این اساس، «صلح» در زبان‌های باستان به معنای پیشرفت، موقعیت و حالت خوب، رستگاری، نرمی و رطوبت، قرارداد و تقسیم کردن بوده است. با توجه به اینکه پیشرفت، نوعی حرکت رو به جلو و در حقیقت تغییر از موقعیت پست‌تر به شرایط بهتر و بالاتر است، می‌توان میان معانی پیشرفت، موقعیت خوب و رستگاری رابطه‌ای معنایی برقرار نمود، بدین سان که رستگاری و موقعیت خوب، حاصل پیشرفت تلقی گردد. نرمی همواره با لطافت، آرامش و امنیت همراه است، در مقابل زبری که با خشونت و سختی و ناامنی پیوند خورده است. لطافت، آرامش و امنیت می‌تواند بر موقعیت و حالت خوب دلالت نماید. از این رو، مفهوم نرمی و رطوبت نیز با موقعیت خوب رابطه معنایی دارد. قرارداد و تقسیم نیز اگر عادلانه باشد، طرفین را در موقعیت خوب قرار

داده، موجبات رستگاری را فراهم می‌آورد. بنابراین می‌توان گفت تمامی معانی یادشده، در مؤلفه معنایی نیکو شدن یا در موقعیت خوب قرار گرفتن مشترک‌اند. در زبان عرب نیز برای «صلح» معانی نیکوتر شدن، ضد فساد بودن، مقدمه خیر، تناسب و شایستگی، درستی، سلامت قلبی، کارآمدی، سازگاری، سودمندی، به سامان آوردن، سامان یافتن، آشتی کردن، صواب و شایستگی گزارش شده است. مفهوم نیکوتر شدن با پیشرفت و قرارگیری در موقعیت خوب رابطه معنایی نزدیکی دارد. زمینه‌سازی و مقدمه خیر بودن نیز با پیشرفت مرتبط است؛ زیرا مقدمه‌سازی و زمینه‌سازی برای خیر و قرارگیری در موقعیت خوب، یعنی بسترسازی برای پیشرفت. معانی دیگر نیز مثل سازگاری و کارآمدی، همگی در مؤلفه معنایی نیکو شدن و قرار گرفتن در موقعیت خوب با معانی ریشه «صلح» در زبان‌های باستان اشتراک دارند. لذا با نظر داشت چنین مفهومی از ریشه «صلح»، «مصلحت» را باید زمینه‌هایی دانست که با اراده و خواست الهی پیش روی بندگان قرار می‌گیرد تا ایشان را به خیر و نیکی نایل سازد، یا به دیگر سخن، ایشان را از موقعیت پایین تر به موقعیت بالاتر رهنمون شود.

۳. «رزق» در صحیفه سجادیه

«رزق» و مشتقات آن ۵۱ مرتبه و در ۴۷ عبارت از دعاهای صحیفه سجادیه به کار رفته‌اند. ۲۳ مرتبه به صورت مصدر، ۵ مرتبه به صورت جمع «ارزاق»، ۱۵ مرتبه فعل امر حاضر، ۳ مرتبه فعل مضارع، ۳ مرتبه فعل ماضی، ۱ مرتبه اسم مفعول و ۱ مرتبه صیغه مبالغه «ارزق». با توجه به ساختار واژه‌های مربوط، در فعل ماضی، بر ثبوت، قطعیت و منع ناپذیر بودن رزق دلالت دارند و در فعل مضارع، بیان‌کننده استمرار و دائمی بودن آن می‌باشند. ذکر مصدر، هر بهره‌ای از طرف خداست و شامل دو قسم رزق دنیوی و اخروی می‌شود که در دو نوع مادی و معنوی بیان شده است.

۳-۱. مصادیق رزق مادی

رزق مادی لازمه زندگی دنیوی است و انسان و تمام موجودات زنده در این جهان برای زنده ماندن و بقای نسل خود به آن نیاز دارند. این قبیل رزق موجب حیات و بقای جسم انسان است، دستاورد این رزق محدود به حیات دنیاست و انسان‌ها به فراخور تلاش و تقدیر خود از آن بهره‌مند می‌شوند.

۳-۱-۱. «قُوت»

امام سجاد علیه السلام در بخشی از دعای اول صحیفه سجادیه در ستایش خدای عزوجل می‌فرماید: «وَجَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوتًا مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ، لَا يَنْقُصُ مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ، وَلَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ» (دعای ۱: فراز ۵)؛ و برای هریک از آنان روزی معلوم و قسمت شده‌ای از باب لطف قرار داد. هر آن کس را که روزی فراوان داده، احدی نمی‌تواند بکاهد، و هر آن کس را که روزی کاسته، هیچ کس نتواند بیفزاید.

«قُوت» یکی از مصادیق رزق مادی است. «قُوت» در لغت به معنای «آنچه می‌خورند تا توان و نیرو به دست آورند» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲ / ۷۴؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۹ / ۳۳۴) می‌باشد. واژه «قُوت» در همین معنا در قرآن نیز به کار رفته است: «وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ» (فصلت / ۱۰)؛ و در روی زمین کوه‌های استواری پدید آورد، و در آن منافع فراوانی آفرید و رزق [روزی خوارانش] را در آن به مدت چهار دوره [بهار، تابستان، پاییز و زمستان] تقدیر کرد [آن هم] یکسان و به اندازه برای خواهندگان.

«اقواتها» جمع «قوت» و به معنای «ارزاقها» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱ / ۶۸۷).

۳-۱-۲. طعام و شراب

امام زین العابدین علیه السلام در بخشی از دعای ۳۲ صحیفه می‌فرماید: «حَتَّىٰ إِذَا احْتَجَّتْ إِلَىٰ رِزْقِكَ، وَ لَمْ أَسْتَعْنِ عَنْ غِيَاثِ فَضْلِكَ، جَعَلْتَ لِي قُوتًا مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ

أَجْرِيَّتُهُ لِأَمْتِكَ الَّتِي أَسْكَنْتَنِي جَوْفَهَا، وَأَوْدَعْتَنِي قَرَارَ رَحْمِهَا» (دعای ۳۲: فراز ۲۴)؛ تا آنجا که وقتی به روزی تو نیاز پیدا کردم، و از یاری احسانت بی‌نیاز نبودم، برایم روزی فراهم نمودی، از زیادی آن مقدار خوردنی و آشامیدنی کنیزت که مرا در اندرونش جای دادی و در رحم او به ودیعت سپردی.

«طعام و شراب» نیز از مصادیق رزق مادی می‌باشند که در این بخش از دعا بعد از واژه «قوت» به صورت ذکر خاص بعد از عام به کار رفته‌اند. «طعام» به معنای هر چیزی خوردنی است که شامل غذا و نوشیدنی می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲/۲۵) و «شراب» نوشیدنی مایع است (طریحی، ۱۳۷۵: ۲/۸۷). هم‌نشین شدن رزق با طعام و شراب نشان‌دهنده این است که برخی از رزق‌ها، به صورت خوراکی و نوشیدنی می‌باشند.

۳-۱-۳. نیرومندی

«السَّيِّدَةَ: نیرومندی» از مصادیق دیگر رزق مادی است که در دعای امام سجاد علیه السلام در حقّ مرزداران به کار رفته است: «وَأَزُقُّهُ السَّيِّدَةَ، وَأَيِّدُهُ بِالنُّصْرَةِ»، (دعای ۲۷: فراز ۱۴)؛ و نیرومندی را روزی اش کن و او را به نصرت خود تأیید فرمای.

۳-۲-۳. مصادیق رزق معنوی

رزق معنوی موجب حیات و تعالی و ارزشمندی روح انسان است. وجود این رزق است که به زندگی انسان معنا و مفهوم واقعی حیات را می‌بخشد و جاودانگی و خلود در بهشت برین را به ارمغان می‌آورد و این همان چیزی است که جسم انسان حتی جسم مرده انسان را محترم و ارزشمند می‌کند. مصادیق رزق معنوی در دعاهای صحیفه سجادیه فراوان تر هستند.

۳-۲-۱. هم‌نشینی نیکو با روز

امام سجاد علیه السلام در دعای ششم صحیفه سجادیه از خداوند درخواست کرده‌اند

هم نشینی نیکو با روز را روزی ما بفرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ، وَاعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِارْتِكَابِ جَرِيرَةٍ، أَوْ افْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ» (دعای ۶: فراز ۱۳)؛ بار خدایا، بر محمد و آلش درود فرست، و حُسن هم نفسی با این روز را روزی ما گردان و ما را از سوء مفارقتش به سبب ارتکاب گناه، یا کسب معصیت کوچک و بزرگ حفظ فرما.

رفاقت و مصاحبت نیکو با روز در سایه ایمان و عمل صالح و اخلاق حسنه میسر است. روز را باید با دیده عقل و هدایت و چشم وجدان و انصاف نظاره کرد تا ظرف پاکی ها، درستی ها، کرامت ها و حقایق گردد و از وجود انسان، موجودی ملکوتی و معنوی و آسمانی ساخته شود (انصاریان، ۱۳۸۹: ۵ / ۶۶).

۳-۲-۲. بازگشت نیکو

دعای شانزدهم صحیفه سجاده دعا در طلب بخشایش و آمرزش است. در بخشی از این دعا امام زین العابدین علیه السلام «حُسْنَ الْإِنَابَةِ»؛ یعنی بازگشت نیکو را از خداوند به عنوان رزق درخواست کرده اند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَقِنِي مِنَ الْمَعَاصِي، وَاشْتَعْمَلْنِي بِالطَّاعَةِ، وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْإِنَابَةِ، وَطَهِّرْنِي بِالتَّوْبَةِ» (دعای ۱۶: فراز ۳۳)؛ بار خدایا، بر محمد و آلش درود فرست و مرا از گناهان حفظ کن، و به طاعتم وادار، و بازگشت قلبی نیکو را روزی ام فرما، و از لوث گناه به توفیق توبه پاکم کن. «الْإِنَابَةُ» بازگشت به سوی خداوند به وسیله توبه است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/۷۷۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/۸۲۷).

۳-۲-۳. رستگاری در قیامت و رهایی از دوزخ

در دعای مکارم الاخلاق، امام چهارم شیعیان «فُوزَ الْمَعَادِ وَ سَلَامَةَ الْمُرْصَادِ»؛ یعنی رستگاری در قیامت و رهایی از دوزخ را به عنوان رزق از خداوند خواسته اند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ مَتَّعْنِي بِالْاِقْتِصَادِ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّادِدِ، وَ مِنْ أَدْلَةِ

الرَّشَادِ، وَمِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ، وَازْرُقْنِي فَوْزَ الْمَعَادِ وَ سَلَامَةَ الْمُرْصَادِ» (دعای ۲۰: فراز ۱۸)؛ بار خدایا، بر محمد و آلش درود فرست، و مرا از نعمت میانه روی بهره مند فرما، و از اهل درستی و استقامت، و راهنمایان به خیر، و بندگان شایسته‌ات قرار ده، و نجات و رستگاری در قیامت، و رهیدن از کمینگاه عذاب روزی ام کن.

مراد از «مرصاد» و کمینگاه، در اینجا دوزخ است؛ زیرا نگهبانان در آنجا چشم به راه کفارند برای عذاب و کیفر. بنابراین «فَوْزَ الْمَعَادِ وَ سَلَامَةَ الْمُرْصَادِ» به معنای رستگاری در قیامت و رهایی از دوزخ است (فیض الاسلام اصفهانی، ۱۳۷۶: ۱۳۸).

۳-۲-۴. سلامتی در عبادت، فراغت در زهد، دانشی که به کار بسته شود،

پارسایی همراه با میانه‌روی

همچنین ایشان در ادامه می‌فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَازْرُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةٍ، وَفَرَاغًا فِي زَهَادَةٍ، وَعِلْمًا فِي اسْتِعْمَالٍ، وَوَرَعًا فِي إِجْمَالٍ» (دعای ۲۰: فراز ۲۷)؛ بار خدایا، بر محمد و آلش درود فرست، و مرا سلامتی‌ای که در عبادت، و فراغتی که در زهد سپری شود، و دانشی که به کار بندم، و خصیلت پارسایی همراه با میانه‌روی روزی کن.

در این بخش، امام سجاد علیه السلام از خداوند صحت و سلامتی‌ای که در عبادت سپری شود، آسایش و فراغتی که در فضای زهد به کار آید، دانش و معرفتی که در عمل به کارگرفته شود، و پارسایی و تقوایی که از افراط و تفریط دور باشد، درخواست کرده‌اند (انصاریان، ۱۳۸۹: ۵۴/۹).

۳-۲-۵. میل به انجام عمل برای آخرت

«الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِآخِرَتِي» از مصادیق دیگر رزق معنوی است که امام سجاد علیه السلام از خداوند درخواست کرده‌اند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَازْرُقْنِي الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِآخِرَتِي حَتَّى أَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِي» (دعای ۲۲: فراز ۸)؛ خداوند،

بر محمد و آلش درود فرست، و رغبت و میلی روزی من کن که عمل برای تورا محض آخرتم انجام دهم، بدان گونه که صدق این رغبت را در قلبم بیابم.
امام سجاد علیه السلام از خداوند درخواست نموده اند که برای آخرتم میل و رغبت در عمل آن هم عمل برای خودت را روزی ام فرما (انصاریان، ۱۳۸۹: ۱۶۰/۹).

۳-۲-۶. ترس اندوه عذاب و شوق وعده ثواب

امام زین العابدین علیه السلام در دعای ۲۲ صحیفه سجادیه می فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي خَوْفَ غَمِّ الْوَعِيدِ، وَشَوْقَ ثَوَابِ الْمُوعُودِ حَتَّىٰ أَجِدَ لَذَّةَ مَا أَدْعُوكَ لَهُ، وَكَأَبَةَ مَا أَسْتَجِيرُ بِكَ مِنْهُ» (دعای ۲۲: فراز ۱۰)؛ بارخدا یا، بر محمد و آلش درود فرست، و ترس و وحشت اندوه عذاب، و شوق وعده ثواب را روزی ام ساز تا لذت آنچه را که تورا برای آن می خوانم، و اندوه چیزی را که از آن به تو پناه می برم، بیابم.

حضرت امام زین العابدین علیه السلام از خداوند مهربان درخواست کرده اند «خَوْفَ غَمِّ الْوَعِيدِ وَشَوْقَ ثَوَابِ الْمُوعُودِ» (ترس از اندوه کیفر و شوق ثواب موعود) در قلب شما تجلی کند که این ترس و شوق دو عامل بسیار مهم بازدارنده از گناه و محرک به سوی عمل صالح و اخلاق پاک است. چون این شوق و ترس در خانه قلب جای بگیرند از عبادت لذت وافر می برید و از گناه افسرده و متنفر می شوید (انصاریان، ۱۳۸۹: ۱۸۴/۹).

۳-۲-۷. حق شناسی

در بخشی دیگر از همین دعا امام چهارم شیعیان از خداوند خواسته اند که حق را که تسلیم بودن در برابر خداوند، و اقرار به احکام حکیمانه الهی و اعتراف به کوتاهی و ورزیدن در شکر است، روزی ایشان فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لَكَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فِي الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ وَالصِّحَّةِ وَالسَّقَمِ، حَتَّىٰ أَعْرِفَ مِنْ نَفْسِي رَوْحَ الرِّضَا وَظَمَانِيَةَ النَّفْسِ مِثِّي بِمَا يَجِبُ لَكَ فِيمَا يَحْدُثُ فِي حَالِ

الْخَوْفِ وَالْأَمْنِ وَالرِّضَا وَالشُّحْطِ وَالصَّرِّ وَالنَّفْعِ» (دعای ۲۲: فراز ۱۲)؛ خداوند، بر محمد و آلش درود فرست، و چون در ادای شکر نعمت‌هایت در زمان آسایش و سختی و سلامت و بیماری کوتاهی ورزم، حق شناسی روزی‌ام کن تا مسرت خاطر و آرامش قلب خود را در ادای وظیفه نسبت به توبه وقت ترس و ایمنی، و خشم و رضا، و سود و زیان بیابم.

۳-۲-۸. سلامت سینه از حسد

سلامت سینه از حسد، رزق دیگری است که امام سجاد علیه السلام از خداوند خواسته‌اند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي سَلَامَةَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ حَتَّى لَا أَحْسُدَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ شَيْءٍ مِنْ فَضْلِكَ» (دعای ۲۲: فراز ۱۳)؛ خداوند، بر محمد و آلش درود فرست، و سینه‌ام را از بیماری حسد سلامت ده، به طوری که بر هیچ یک از آفریدگان تو بر نعمتی که به فضلت عنایت می‌کنی، حسد نبرم.

حسد بیماری خطرناکی است و قرآن کریم مردمان را از آن صفت پست نهی کرده است و دستور داده از شر حسود به خدا پناه ببریم. در قرآن در هیچ موردی همانند حسد، دستور پناهنده شدن به خداوند را نداده است تا آنجا که فرد حسود را هم ردیف جادوگران و نیرنگ‌سازان بر شمرده است (ممدوحی، ۱۳۸۸: ۳۶۱/۲).

۳-۲-۹. خودداری از خطاها و پرهیز از لغزش‌ها در حال خشنودی و خشم

در ادامه همین دعا امام زین العابدین علیه السلام یکی از مهم‌ترین امور را از خداوند متعال درخواست کرده‌اند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي التَّحْفُظَ مِنَ الْخَطَايَا، وَالْإِحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي حَالِ الرِّضَا وَالْغَضَبِ، حَتَّى أَكُونَ بِمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ، عَامِلًا بِطَاعَتِكَ، مُؤْتِرًا لِرِضَاكَ عَلَيَّ مَا سِوَاهُمَا فِي الْأَوْلِيَاءِ وَالْأَعْدَاءِ، حَتَّى يَأْمَنَ عَدُوِّي مِنْ ظُلْمِي وَجُورِي، وَيَبْتَاسَ وَلِيِّي مِنْ مَيْلِي وَأَنْحِطَاطِ هَوَايَ» (دعای ۲۲: فراز ۱۴)؛ خداوند، بر محمد و آلش درود فرست، و مرا خودداری از

خطاها، و پرهیز از لغزش‌ها در دنیا و آخرت، و در حال خشنودی و خشم روزی کن، به طوری که در هر دو حال یکسان بوده، به طاعت تو مشغول باشم، و در حقّ دوستان و دشمنان رضای تو را بر غیر رضا و طاعت تو ترجیح دهم تا دشمنم از جور و ستمم ایمن باشد، و دوستم از اینکه منحرف از حق و به هوای نفس او متمایل شوم، نومید گردد. این بخش از دعا به لزوم اعتدال در خشنودی و خشم و دوستی و دشمنی اشاره دارد. افراط و تفریط در هر امری، غلط و خارج از مرز اعتدال است و صحیح عمل کردن و درست به فکر نشستن، دقیقاً در نقطهٔ مقابل این زیاده‌روی‌ها قرار دارد (ممدوحی، ۱۳۸۸: ۲/۳۶۴).

۳-۲-۱۰. کفایت در تمام امور

امام سجاد علیه السلام در دعای ۵۱ صحیفهٔ سجادیه که دعای آن حضرت در تضرّع و فروتنی به درگاه حق است از خداوند «کفایت در تمام کارها» را خواسته‌اند: «وَلَوْ لَا إِحْسَانُكَ إِلَيَّ وَ سُبُوْعُ نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ مَا بَلَغْتُ إِحْزَارَ حَظِّي، وَ لَا إِصْلَاحَ نَفْسِي، وَ لَكِنَّكَ ابْتَدَأْتَنِي بِالْإِحْسَانِ، وَ رَزَقْتَنِي فِي أُمُورِي كُلِّهَا الْكِفَايَةَ» (دعای ۵۱: فراز ۲)؛ و اگر احسان و لطف تو نسبت به من، و کمال نعمت بر من در میان نبود، هرگز در به دست آوردن بهره‌ام، و اصلاح خویش موفق نمی‌شدم، این توبودی که احسان را نسبت به من آغاز فرمودی، و کفایت در تمام کارهایم را روزی من نمودی.

«کفاف» و «کفایت» در لغت، یعنی آنچه کافی بوده و نیازی به دیگری نداشته باشد (بستانی، ۱۳۷۵: ۱/۷۳۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹/۳۰۶). یکی از معانی کفایت، بی‌نیازی است و زمانی گفته می‌شود که بی‌نیازی از غیر تحقق یابد (حبوبیاتی، ۱۳۸۴: ۳۴۳). در این بخش از دعا امام سجاد علیه السلام از اینکه خداوند کفایت در امور؛ یعنی بی‌نیازی از دیگران در کارها و امور زندگی را روزیشان فرموده، تشکر کرده‌اند.

۳-۳. هسته معنایی رزق

برای فهم معنای محوری یا هسته معنایی مشترک «رزق» در صحیفه سجادیه، ابتدا باید معنای لغوی این واژه و سپس ارتباط میان معنای لغوی و معانی مختلف رزق که پیش‌تر بدان اشاره شد، مطمح نظر قرار گیرد. به گفته برخی فرهنگ‌نویسان، رزق به معنای «ما يُتَّفَعُ بِهِ» است؛ یعنی آنچه از آن بهره‌برداری می‌شود (جوهری، ۱۴۰۷: ۱۴۸۱/۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱۵/۱۰؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۳/۳۲۰). به گفته برخی دیگر، رزق در اصل به معنای «اعطای وقت» است، ولی در اعطای غیر وقت هم به کار می‌رود و براساس این، رزق به معنای «عطای خدا» آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/۳۸۸). به عقیده علامه طباطبایی در اصطلاح به هر چیزی که مایه دوام حیات مخلوقات زنده است، رزق گویند. در واقع رزق موهبت و بخششی است از ناحیه خدای متعال به بندگانش، بدون اینکه استحقاق آن را داشته باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/۱۳۶). رزق در اصطلاح اسمی است برای «آنچه خدا به سوی زندگان می‌راند تا آن را بخورند، اعم از حلال و حرام» (جرجانی، ۱۴۰۸: ۱۱۰).

رزق در اصطلاح متکلمان امامیه به معنای «ما صَحَّ الانتِفَاعُ بِهِ وَلَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مَنَعُهُ مِنْهُ» چیزی که از آن بهره‌برداری می‌شود و کسی نمی‌تواند از آن منع کند» آمده است و شامل حلال‌ها می‌شود، نه حرام‌ها (شیخ طوسی، ۱۴۰۶: ۲/۱۷۳؛ علامه حلی، ۱۴۳۰: ۴۶۲). بر این اساس، رزق به معنای «عطا و بخشش پی در پی» است که از آن نفع برده می‌شود، خواه مادی باشد یا معنوی و اگر رزق منحصر در امور مادی و به خصوص «خوراکی‌ها» تصور می‌شود، از باب تغلیب است؛ به این دلیل که کاربرد این واژه در امور مادی ملموس‌تر است.

معانی گوناگون «رزق» در صحیفه سجادیه با نظر داشت یک مفهوم مرکزی که با تمامی معانی در ارتباط بوده و هسته معنایی مشترک این معانی است، می‌توانند در یک مقوله جای گیرند. تأمل در مصادیق معنایی مختلف رزق، مانند طعام و شراب،

نیرومندی، حسن مصاحبت، توبه نیکو، رستگاری در قیامت، رهایی از دوزخ، سلامتی، فراغ، علم، ورع، رغبت، شوق ثواب، حق، سلامت از حسد، حفظ از خطا و لغزش و کفایت در امور، این نکته را نمایان می‌سازد که باید هسته معنایی مشترک میان این معانی، نوعی نیرو یا قدرت باشد که موجود نیازمند، آن را از منبع فیض دریافت می‌کند و یا به او عطا می‌شود یا از آن بهره‌مند می‌گردد. از این رو، هسته معنایی رزق با معانی لغوی این واژه همچون «آنچه از آن بهره‌برداری می‌شود» و «عطا و بخشش مستمر» ارتباط تنگاتنگی دارد و در حقیقت نیروی مثبتی است که متعلق این بهره‌برداری و عطاست. بر این پایه، معنای مرکزی رزق، قدرت، نیروی مثبتی است که با ورود به یک سامانه فقیرولی مستعد، آن را بهره‌مند و بی‌نیاز می‌سازد. مفهوم «نیرومندی» که با لفظ «الشدّه» در دعای ۲۲ صحیفه سجادیه مصداق رزق دانسته شده، با معنای «نیرو مثبت» همسان است. «طعام و شراب» نیز از مصادیق رزق مادی می‌باشند که مایه دوام مادی موجودات زنده بوده و قدرت و انرژی موجودات به واسطه آن‌ها تأمین می‌شود. از این رو، رابطه معنایی نزدیکی میان مصداق یادشده با معنای مرکزی رزق برقرار است. «رزق» بر مفهوم «سلامتی» نیز در برخی عبارات‌های صحیفه دلالت می‌کند که با هسته معنایی «نیروی مثبت» پیوند می‌یابد. سلامتی چه از امراض جسمی باشد و چه غیر از آن، مانند «سلامتی از حسد»، موهبتی است الهی که انسان را قدرت می‌بخشد و نیروی مثبت در زندگی به او عطا می‌نماید. تمامی مصادیق معنایی دیگر «رزق» که در کلام امام سجاد علیه السلام به کار رفته نیز با مفهوم سلامتی معنوی رابطه معنایی دارند و با واسطه آن به معنای مرکزی «نیروی مثبت» می‌رسند. مصاحبت نیکو، انسان را سرزنده و سلامت می‌دارد؛ «توبه نیکو» عامل پاکی انسان از ذائل و به دیگر بیان، سلامتی انسان از امراض ناشی از گناه است؛ «رستگاری در قیامت»، یعنی سالم ماندن از عذاب الهی و سلامتی به واسطه نعمت‌های بهشتی؛ «شوق ثواب و خوف عذاب، زهد و ورع» آدمی را از ارتکاب گناه در دنیا مصون می‌دارد و «علم» او را از بیماری «جهل»

نجات می‌بخشد و سلامت می‌دارد. «حفظ از خطاها و لغزش‌های دنیا و آخرت» نیز بیانی دیگر از سلامتی است. «حق» طریقی است که هر کس در آن قدم گذارد، از باطل نجات یافته، رستگاری می‌شود و سالم به مقصد می‌رسد. «کفایت در امور» نیز حس رضایت و اقناع در فرد ایجاد نموده، او را از گرفتار شدن در حرص که بیماری سرسختی است، سلامت می‌دارد و حفظ می‌نماید.

۴. رابطه «رزق» و «مصلحت» در صحیفه سجادیه

امام سجاد علیه السلام رزق‌های مادی، مانند طعام و شراب را احسان خداوند برای برطرف نمودن نیاز بندگان و در حقیقت، دوام زندگی مادی ایشان می‌داند: «حَتَّىٰ إِذَا احْتَجْتُ إِلَىٰ رِزْقِكَ وَ لَمْ أَسْتَعْنِ عَنْ غِيَاثِ فَضْلِكَ، جَعَلْتَ لِي قُوْتًا مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ» (دعای ۳۲: ۲۴)؛ تا آنجا که وقتی به روزی تونیز پیدا کردم، و از یاری احسانت بی‌نیاز نبودم، برایم روزی فراهم نمودی، از زیادی آن مقدار خوردنی و آشامیدنی.

بدین‌سان احتیاج بنده به خدا و اعطای رزق از ناحیه او، بسترهای مادی پیشرفت و نیل به موقعیت بالاتر را فراهم می‌کند و با ریشه «صلح» کاملاً همسواست، ضمن اینکه مطابق سیاق دعای مذکور، «فضل» و «اعطای رزق» با اراده خداوند و خواست او صورت می‌گیرد و نیرویی است که از منبع فیض او به بندگان می‌رسد. براین پایه، اعطای رزق مادی با مصلحت خداوند و در راستای قرارگیری بنده در موقعیت خوب همراه خواهد بود. حضرت، غیر از «طعام» و «شراب» نیز رزق‌های مادی دیگری چون «نیرومندی» را از خدا برای مرزبانان طلب می‌نماید: «وَ اَرْزُقُهُ الشَّدَّةَ وَ اَيِّدُهُ بِاللُّصْرَةِ وَ عَلِّمُهُ السَّيْرَ وَ الشُّنَّ وَ سَدِّدُهُ فِي الْحُكْمِ...» (دعای ۲۷: ۱۴)؛ و نیرومندی را روزی اش کن و او را به نصرت خود تأیید فرمای و سیره و سنن اسلامی را به او بیاموز و راه صواب در داوری را به او بنمای.

این امر مؤید آن است که هر نوع نیرو و قدرت مادی تنها به خواست خداوند به

بندگان داده می‌شود و بهره‌مند ساختن بندگان از نیروهای مادی مطابق مصلحت خداوند صورت می‌گیرد تا ایشان را در موقعیت خوبی قرار داده، خیر را نصیبشان نماید. «رزق» در موارد فراوانی نیز کاربرد معنوی یافته است. «توبه» و درخواست «حسن بازگشت به سوی خدا» رزقی دانسته شده که ضامن حیاتی همراه با عافیت و سلامت از گناه خواهد بود: «وَ اَرْزُقْنِي حُسْنَ الْاِنَابَةِ وَ طَهِّرْنِي بِالتَّوْبَةِ وَ اَيِّدْنِي بِالْعِصْمَةِ وَ اسْتَصْلِحْنِي بِالْعَافِيَةِ...» (دعای ۱۶: فراز ۳۳). از این رو، توبه نیز رزقی اعطایی از جانب خداوند است که بنده را در موقعیت خوب؛ یعنی عافیت و سلامتی حفظ می‌نماید. به دیگر سخن، مصلحت الهی اقتضا می‌کند که از طریق اجابت توبه، فرد را به عافیت و سلامت درونی نایل سازد. «رستگاری در قیامت» نیز رزق بندگان است که اهل درستی و استقامت‌اند و راهنمای خیر. لذا مصلحت خداوند اقتضا می‌کند که این بندگان را با خواست خویش در سطحی بالاتر متنعم نماید.

«سلامتی در عبادت» از دیگر مصادیق «رزق» اعطایی از سوی خداوند است که در کلام امام سجاد علیه السلام مورد توجه قرار گرفته و معطوف با «زهد» و «ورع» و «علم» به کار رفته است: «وَ اَرْزُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةِ وَ فِرَاحاً فِي زَهَادَةٍ وَ عِلْماً فِي اسْتِعْمَالٍ وَ وِرْعاً فِي اِجْمَالٍ» (دعای ۲۰: فراز ۲۷)؛ مرا سلامتی‌ای که در عبادت، و فراغتی که در زهد سپری شود، و دانشی که به کار بندم، و خصلت پارسایی همراه با میانه‌روی روزی کن. اینجاست، بنده به خواست خداوند، قابل تمامی مصادیق یاد شده می‌شود و از موقعیت فروتر به موقعیت فراتر دست می‌یابد. از این رو، میان کارکردهای مصادیق فوق و ریشه «صلح» ارتباط مفهومی برقرار بوده، نمایانگر مصلحت خداوند در اعطای مصادیق یاد شده به بندگان است.

روزی دیگری که امام سجاد علیه السلام از خداوند درخواست نموده‌اند، «رغبت در عمل برای آخرت» است تا بدین سان بی‌رغبتی در دنیای زودگذر در وجود ایشان چیره گردد: «وَ اَرْزُقْنِي الرِّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِاٰخِرَتِي... وَ حَتَّى يَكُونَ الْعَالِبُ عَلَيَّ الرُّهْدَ فِي دُنْيَايَ»

(دعای ۲۲: فراز ۸)؛ رغبت و میلی روزی من کن که عمل برای تورا محض آخرتم انجام دهم، بدان گونه که صدق این رغبت را در قلبم بیابم، و بی رغبتی نسبت به دنیای زودگذر بردلم چیره شود. رغبت در عمل برای آخرت، آدمی را از علاقه به دنیا بازمی‌دارد و او را از گرایش به سطح نازل مادی و دنیوی به سطح اخروی ارتقا می‌بخشد. به بیانی دیگر، مصلحت الهی بر این تعلق گرفته که گهگاه در امور دنیوی دچار سختی گردد و در تنگنا قرار گیرد تا با وابستگی و تعلق کمتر به این دنیا، تعالی یافته، به موقعیت عالی اخروی گرایش یابد. در این میان، گاهی رزق اعطایی از خداوند در قالب ترس و شوق نمایان می‌گردد. ترس از اندوه عذاب و شوق وعده ثواب هر دو در کلام امام سجاد علیه السلام یاریگر انسان در پناه بردن به خدا و لذت آنچه که انسان، خدا را برای آن می‌خواند، می‌باشند: «وَ اَزُّفُنِي خَوْفَ عَمِّ الْوَعِيدِ وَ شَوْقِ ثَوَابِ الْمُؤَعُودِ حَتَّى اَجِدَ لَذَّةَ مَا اَدْعُوكَ لَهُ وَ كَابَةَ مَا اَسْتَجِيرُ بِكَ مِنْهُ» (دعای ۴۵: فراز ۵۳)؛ ترس از عذاب وعده داده شده، و رغبت به ثواب موعود را روزی ما کن تا لذت آنچه را که از تو می‌خواهیم، بیابیم و غصه آنچه را که از آن به تو پناه می‌بریم، دریابیم.

هر دو مورد یادشده، عوامل بسیار مهم بازدارنده از گناه و محرک به سوی عمل صالح و اخلاق پاک است. بر این پایه، اینجا نیز بنده با دریافت رزق به سطح بالاتر و موقعیت خوب صعود خواهد کرد و به خواست و مصلحت الهی زمینه این صعود مهیا خواهد شد.

دیگر رزقی که حضرت از خداوند درخواست نموده، «حق» است: «وَ اَزُّفُنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لَكَ بِمَا اَنْعَمْتَ عَلَيَّ...» (دعای ۲۲: فراز ۱۲)؛ و چون در ادای شکر نعمت‌هایت در زمان آسایش و سختی و سلامت و بیماری کوتاهی ورزم، حق‌شناسی روزی ام کن. امام سجاد علیه السلام از خداوند می‌خواهند که حق را که تسلیم بودن در برابر او و اقرار به احکام حکیمانه‌اش و اعتراف به کوتاهی ورزیدن در شکر است، روزی‌شان نماید (انصاریان، ۱۳۸۹: ۹ / ۱۹۶). از آنجایی که حق همواره در مقابل

باطل قرار می‌گیرد، حرکت در مسیر حق، انسان را ارتقا بخشیده، به موقعیتی بالاتر رهنمون می‌سازد. خداوند با لحاظ اراده و خواست خویش، حق را روزی بندگانی می‌کند که طالب آن باشند و در این راستا بنا بر مصلحت خویش، گاه سختی‌ها و ناملایمت‌هایی را نیز پیش پای بندگان می‌نهد تا بنده شاکر و حق‌جو از غیر باز شناخته شود.

سلامت از حسد، دیگر خواسته حضرت است که در قالب دعا مطرح شده است: «وَ اِزُّقِّنِي سَلَامَةَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ حَتَّى لَا اَحْسَدَ اَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ عَلٰى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِكَ، وَ حَتَّى لَا اَرٰى نِعْمَةً مِنْ نِعَمِكَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِي دِيْنٍ اَوْ دُنْيَا اَوْ عَافِيَةٍ اَوْ تَقْوٰى اَوْ سَعَةٍ اَوْ رَحَاءٍ اِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِيْ اَفْضَلَ ذٰلِكَ بِكَ وَ مِنْكَ وَ حَدِّكَ لَا شَرِيْكَ لَكَ» (دعای ۲۲: فراز ۱۳). ایشان در این بخش از صحیفه، از خدا می‌خواهند که به هیچ یک از آفریدگانش بر نعمتی که به فضل او عنایت شده، حسد نبرند و هیچ یک از نعمت‌های خدا را در دین یا دنیا، در عافیت یا تقوا، و در فراخی یا راحتی، بر هیچ یک از بندگانش نبینند مگر آنکه بهتر از آن را به لطف او و از سویش آرزو نمایند. حسد نوعی بیماری است که جسم و روان آدمی را درگیر می‌کند و زندگی دردناکی برای او رقم می‌زند. از این رو، درخواست سلامت سینه از حسد، در حقیقت درخواست نجات انسان از سطحی نازل و بیمارگونه به جایگاه رفیع و موقعیتی خوب است که در آن، فرد با کنترل درونی حسد به آرامش رسیده است. خداوند به مصلحت خویش، برخی را روزی مادی و نعمات فراوانی عنایت می‌کند و در مقابل، باز با خواست و مصلحت خویش به بعضی دیگر، انواع دیگر رزق را عطا می‌نماید و در صورت خواست بنده و قرارگیری او در مسیر صحیح، به او نیرویی برای کنترل و مهار حسد می‌بخشد و مسیر مقابله با این زدیله اخلاقی را هموار می‌نماید.

مصدق معنایی دیگر رزق در کلام امام سجاد علیه السلام «حفظ از خطاها و لغزش‌ها» است: «وَ اِزُّقِّنِي التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَايَا» (دعای ۲۲: فراز ۱۴). بدیهی است که خطا و

لغزش، انسان را به سقوط می‌کشاند و در صورت حفظ از خطا، انسان در موقعیت مناسب‌تری جای می‌گیرد. براین پایه، مصلحت خداوند اقتضا می‌کند بندگان را از خطا و سقوط با امتحان و از دست دادن برخی نعمت‌های مادی نجات بخشد.

رزق الهی گاه در قالب «کفایت در امور» ظهور می‌یابد که امام سجاد علیه السلام در دعای ۵۱ صحیفه، آن را از خداوند خواسته‌اند: «وَرَزَقْتَنِي فِي أُمُورِي كُلِّهَا الْكِفَايَةَ» (دعای ۵۱: فراز ۲). حس کفایت و بی‌نیازی در زندگی، به رضایت و آرامش درونی فرد می‌انجامد و او را در موقعیت خوب قرار می‌دهد. مصلحت و مشیت الهی نیز این گونه ظهور می‌یابد که با گرفتن دیگرارزاق، انسان را آزموده، در صورت موفقیت، به او حس کفایت و بی‌نیازی در زندگی اعطا نماید.

براین اساس، «رزق» در ادعیه صحیفه، انواع و مصادیق گوناگونی داشته و با هم‌آیندهای مختلف در بافت کلام به صورت چندمعنایی ظهور یافته است. پیش‌تر اشاره شد که هسته مشترک معانی ذکر شده برای «رزق»، نیروی مثبتی است که با ورود به یک سامانه فقیرولی مستعد، آن را بهره‌مند و بی‌نیاز می‌سازد. براین پایه می‌توان گفت خداوند انواع و مصادیق مختلف روزی را برای رفع نیاز بندگان و ارتقای ایشان به موقعیت بالاتر اعطا می‌نماید و با لحاظ شرایط، یک مصداق از آن را جایگزین مصداق دیگر می‌نماید.

نتیجه‌گیری

«رزق» در صحیفه سجادیه، مصادیق معنایی مختلفی دارد؛ مانند طعام و شراب، نیرومندی، حسن مصاحبت، توبه نیکو، رستگاری در قیامت، رهایی از دوزخ، سلامتی، فراغ، علم، ورع، رغبت، شوق ثواب، حق، سلامت از حسد، حفظ از خطا و لغزش و کفایت در امور. فصل مشترک این معانی، قدرت، نیروی مثبتی است که با ورود به یک سامانه فقیر، ولی مستعد، آن را بهره‌مند و بی‌نیاز می‌سازد. ریشه‌شناسی تاریخی

«مصلحت» نیز بر این امر اذعان دارد که این کلمه از ریشه «صلح» در زبان‌های باستان به معانی پیشرفت، موقعیت و حالت خوب، رستگاری، نرمی و رطوبت، قرارداد و تقسیم کردن بوده است که تمامی معانی یادشده، در مؤلفه معنایی نیکو شدن یا در موقعیت خوب قرار گرفتن مشترک‌اند و در زبان عرب نیز برای «صلح» به کار رفته‌اند. از این رو می‌توان گفت مصلحت از دوران کهن تا دوره معصومان علیهم‌السلام در نگرش فرهنگی عموم جامعه به معنای پیشرفت و ارتقا به موقعیت عالی بوده است. با نظر داشت چنین مفهومی از ریشه «صلح»، «مصلحت» را باید زمینه‌هایی دانست که با اراده و خواست الهی پیش روی بندگان قرار می‌گیرد تا ایشان را به خیر و نیکی نایل سازد، یا به دیگر سخن، ایشان را از موقعیت پایین‌تر به موقعیت بالاتر رهنمون شود. بر این اساس، خداوند صلاح خویش را با دادن مصادیق گوناگون رزق به بندگان لحاظ کرده، گاه رزق مادی و گاه انواعی از ارزاق معنوی را برای قرار گرفتن بندگان در موقعیت بهتر و بالاتر به ایشان اعطا می‌نماید. بدین سان مصلحت الهی اقتضا می‌کند ارزاق را در شرایط و موقعیت‌های گوناگون جانشین یکدیگر نماید و از این طریق بندگان را مشمول خیر و رحمت واسعه خویش گرداند.

منابع

۱. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق جمال الدین میردامادی، دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۳. انصاریان، حسین، شرح و تفسیر صحیفه سجادیه، دارالعرفان، قم، چاپ چهارم، ۱۳۸۹ش.
۴. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، ترجمه رضا مهیار، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.
۵. جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن، جلاء الازهار و جلاء الاحزان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ش.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، تحقیق احمد عبدالغفور

- عطار، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۷. حبوباتی، سید رضا، شرح دعای مکارم الاخلاق، اسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
۸. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی هلالی و علی شیری، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۱۰. دهقان چاچکامی، حمید، جایگاه مصلحت در قانون‌گذاری کیفی ایران، بوستان کتاب، قم، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دارالقلم، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۲. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، تحقیق محمد حسن آل یاسین، عالم الکتب، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۱۴. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تحقیق احمد حسینی اشکوری، انتشارات مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۱۶. طیب حسینی، سید محمود، چندمعنایی در قرآن کریم: درآمدی بر توسعه در دلالت‌های قرآنی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۱۷. عسکری، ابوهلال، الفروق فی اللغة، دار الآفاق الجدیده، بیروت، ۱۴۰۰ق.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، نشر هجرت، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۱۹. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۲۰. فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه، تحقیق عبدالکریم افشاری زنجانی، نشر فقیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۶ش.
۲۱. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، دار الهجره، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸ش.

۲۳. ممدوحی، حسن، *شهود و شناخت*، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۲۴. واعظی، میرزا محمد، «تأملی در قاعده انگاری اولویت دفع مفسده از جلب منفعت»، *فقه و اصول*، سال چهل و هشتم، شماره پیاپی ۱۰۶، پاییز ۱۳۹۵.

25. Gelb, I.J. *Glossary of Old Akkadian* Chicago, University of Chicago (1957)
26. Gesenius, William, *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, ed. F.A. Brown, Oxford (1939)
27. Jastrow, Marcus, *A Dictionary of the Targumim*, London/New York (1903)
28. Lane, Edward William, *Arabic-English Lexicon*, Entekhab, Qum, Iran, (2015), 4 volumes
29. Leslau, Wolf, *Comparative Dictionary of Geez*, Otto Harrassowitz & Wiesbaden
30. (1991)
31. Louis, *Dictionarie Syriaque-Francais/Syriac-English Dictionary*, Beirut Dar El-Machreq (2002)